

گزارش تحلیلی وضعیت محیط کسب و کار ملی و استان اصفهان - بهار ۱۴۰۵

از بهبود نسبی جایگاه اصفهان تا تداوم نااطمینانی در فضای کسب و کار کشور

❖ خلاصه مدیریتی

نتایج پایش ملی محیط کسب و کار در بهار ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که چالش اصلی بنگاه‌های اقتصادی بیش از آنکه ناشی از یک عامل منفرد باشد، به کاهش قابلیت پیش‌بینی و افزایش نااطمینانی در محیط فعالیت آنها بازمی‌گردد. شاخص ملی محیط کسب و کار با ثبت عدد ۶.۲۳، اگرچه نسبت به زمستان ۱۴۰۴ تغییر محدودی داشته، در مقایسه با بهار سال گذشته ۴.۷۷ درصد نامساعدتر شده است؛ روندی که از تداوم فشار بر فضای فعالیت اقتصادی حکایت دارد. در همین حال، غیرقابل پیش‌بینی بودن قیمت مواد اولیه و محصولات، دشواری تأمین مالی بانکی و بی‌ثباتی سیاست‌ها و مقررات همچنان سه مانع اصلی از نگاه فعالان اقتصادی هستند.

اهمیت این یافته‌ها زمانی بیشتر می‌شود که در کنار آنها، فعالیت بنگاه‌های مورد بررسی در تنها ۳۵ درصد ظرفیت واقعی و ارزیابی بسیار بالای ۷.۸۷ از تأثیر منفی جنگ بر کسب و کارها قرار گیرد. کنار هم قرار گرفتن این متغیرها نشان می‌دهد مسئله امروز بنگاه‌ها صرفاً افزایش هزینه نیست؛ بلکه ترکیبی از نااطمینانی، محدودیت منابع مالی، ظرفیت بلااستفاده و افزایش ریسک‌های بیرونی، تصمیم‌گیری درباره تولید، سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت را دشوارتر کرده است.

در این میان، اصفهان با شاخص ۵.۶۲ و کسب رتبه دوم کشور عملکردی بهتر از میانگین ملی ۶.۲۳ داشته و نسبت به زمستان گذشته نیز بهبود قابل توجهی را تجربه کرده است. با این حال، شاخص استان نسبت به بهار ۱۴۰۴ حدود ۱.۸۵ درصد نامساعدتر شده است؛ بنابراین ارتقای رتبه اصفهان را باید بیش از آنکه نشانه رفع موانع بدانیم، نشانه بهبود نسبی جایگاه استان در مقایسه با سایر استان‌ها تلقی کنیم. نوسان رتبه اصفهان طی دو سال اخیر نیز نشان می‌دهد تثبیت این جایگاه نیازمند شناسایی عوامل بهبود و تمرکز بر موانع باقی‌مانده است.

برآیند این نتایج یک پیام روشن برای فعالان اقتصادی دارد: در محیطی که پیش‌بینی قیمت‌ها دشوار، تأمین مالی محدود و سیاست‌ها و مقررات کم‌ثبات است، توان بنگاه در مدیریت نااطمینانی، نقدینگی، زنجیره تأمین و واکنش سریع به تغییرات، به اندازه هزینه و ظرفیت تولید در حفظ رقابت‌پذیری اهمیت پیدا می‌کند. برای اصفهان نیز چالش اصلی از این پس نه صرفاً حفظ «رتبه دوم»، بلکه تبدیل این برتری نسبی به یک مزیت پایدار برای تولید، سرمایه‌گذاری و توسعه کسب و کار در استان است.

❖ محیط کسب و کار کشور؛ ثبات فصلی، اما تضعیف در مقایسه سالانه

شاخص ملی محیط کسب و کار در بهار ۱۴۰۵ به ۶.۲۳ از ۱۰ رسیده است؛ در این شاخص هرچه عدد به ۱۰ نزدیک تر باشد، وضعیت نامساعدتر ارزیابی می شود. شاخص در زمستان ۱۴۰۴ برابر ۶.۲۰ بوده و بنابراین در مقایسه فصلی تنها ۰.۰۶ درصد نامساعدتر شده است. اما تصویر سالانه متفاوت است: شاخص در بهار ۱۴۰۴ معادل ۵.۹۵ بوده و طی یک سال ۴.۷۷ درصد نامساعدتر شده است.

بنابراین، تغییر محدود نسبت به زمستان نباید به عنوان ثبات واقعی محیط کسب و کار تفسیر شود. آنچه اهمیت بیشتری دارد، تداوم و انباشت فشارها طی یک سال گذشته است. برای بنگاه ها، این وضعیت بیش از آنکه از یک شوک مقطعی حکایت کند، نشانه فرسایش تدریجی قابلیت پیش بینی محیط فعالیت است.

پیام برای فعال اقتصادی: مسئله فقط «بدتر شدن یک شاخص» نیست؛ مسئله اصلی، کاهش قابلیت پیش بینی آینده کسب و کار است.

❖ سه مانع اصلی؛ سه نشانه از یک مشکل بزرگ تر

در میان ۲۸ مؤلفه مورد بررسی، فعالان اقتصادی سه عامل را نامساعدترین موانع محیط کسب و کار معرفی کرده اند:

- غیرقابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات: ۸.۵۰

- دشواری تأمین مالی از بانک ها: ۷.۶۷

- بی ثباتی سیاست ها، قوانین، مقررات و رویه های اجرایی: ۷.۳۷

این سه عامل در ظاهر مستقل اند، اما برای بنگاه یک پیام مشترک دارند: کاهش قدرت برنامه ریزی.

وقتی قیمت نهاده قابل پیش بینی نیست، دسترسی به منابع مالی دشوار است و در کنار آن مقررات نیز ثبات کافی ندارد، تقریباً تمام تصمیم های اصلی بنگاه از قیمت گذاری و پذیرش سفارش بلندمدت تا خرید مواد اولیه، سرمایه گذاری و توسعه ظرفیت، با ریسک بیشتری مواجه می شوند.

نکته قابل توجه دیگر، بازگشت دوباره همین مسائل ساختاری به صدر فهرست است. در زمستان ۱۴۰۴، محدودیت دسترسی به تلفن همراه و اینترنت برای نخستین بار وارد سه مشکل اصلی شده بود، اما در بهار ۱۴۰۵ سه مسئله قیمت، تأمین مالی و بی ثباتی مقررات دوباره در صدر قرار گرفته اند.

این موضوع نشان می دهد با کنار رفتن برخی شوک های مقطعی، مسائل ساختاری و قدیمی محیط کسب و کار دوباره خود را نشان می دهند.

برای بخش خصوصی نیز مطالبه صرفاً نباید به «کاهش هزینه» محدود شود. افزایش پیش‌بینی‌پذیری تصمیمات اقتصادی و ثبات مقررات خود می‌تواند یک مطالبه اساسی باشد؛ زیرا برای بسیاری از تصمیم‌های تجاری، یک قاعده نامطلوب اما قابل پیش‌بینی، قابل مدیریت‌تر از قاعده‌ای است که بنگاه از دوام آن اطمینان ندارد.

❖ صنعت بهتر از سایر بخش‌ها؛ اما هنوز در شرایط مساعد نیست

شاخص محیط کسب‌وکار بخش صنعت ۶۱۳، خدمات ۶۲۱ و کشاورزی ۶۲۳ بوده است. صنعت تنها بخشی است که نسبت به زمستان اندکی بهبود داشته؛ در مقابل، خدمات نامساعدتر شده و کشاورزی که در زمستان بهترین وضعیت را داشت، در بهار به نامساعدترین بخش تبدیل شده است. در تفسیر این اعداد یک تمایز مهم وجود دارد، «بهتر بودن صنعت» نباید با «مساعد بودن صنعت» اشتباه گرفته شود. صنعت صرفاً در یک محیط عمومی نامساعد، شرایط نسبتاً بهتری از خدمات و کشاورزی گزارش کرده است؛ ضمن اینکه شاخص صنعت نسبت به بهار سال گذشته نیز تضعیف شده است. افت محسوس وضعیت کشاورزی نیز فقط مسئله فعالان این بخش نیست. صنایع غذایی، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و سایر کسب‌وکارهای وابسته به محصولات کشاورزی ممکن است آثار آن را از طریق افزایش هزینه نهاده، اختلال تأمین یا تغییر شرایط فروش تجربه کنند. پیام برای فعال اقتصادی: وضعیت حلقه‌های بالادستی زنجیره تأمین را باید بخشی از ریسک خود بنگاه دانست؛ حتی اگر بنگاه مستقیماً در آن بخش فعالیت نکند.

❖ میانگین کشور همه واقعیت را نشان نمی‌دهد

تفاوت میان رشته فعالیت‌های اقتصادی قابل توجه است. مساعدترین وضعیت مربوط به مالی و بیمه با عدد ۵۸۹، استخراج معدن با عدد ۵۹۷ و سلامت انسان و مددکاری اجتماعی با عدد ۶۰۳ بوده است. در مقابل، خدمات تأمین جا و غذا با ۶۷۹، آب‌رسانی و مدیریت پسماند و فاضلاب با ۶۶۱ و هنر، سرگرمی و تفریح با ۶۵۱ نامساعدترین شرایط را گزارش کرده‌اند.

این اختلاف نشان می‌دهد شاخص ۶۲۳ کشور برای تصمیم‌گیری یک بنگاه به‌تنهایی کافی نیست. وضعیت رشته فعالیت، مشتریان، تأمین‌کنندگان و زنجیره ارزش بنگاه ممکن است تصویر متفاوتی از میانگین اقتصاد ارائه کند. اگر بخش مهمی از مشتریان یا تأمین‌کنندگان یک شرکت در رشته‌هایی با محیط نامساعدتر فعالیت کنند، احتمال انتقال فشار از طریق تأخیر در پرداخت، درخواست افزایش قیمت، کاهش سفارش یا اختلال در تحویل افزایش می‌یابد. بنابراین تحلیل ریسک طرف تجاری می‌تواند به اندازه بررسی وضعیت خود شرکت اهمیت داشته باشد.

❖ اصفهان رتبه دوم کشور، اما با یک نکته مهم

اصفهان با شاخص ۵.۶۲، در رتبه دوم مساعدترین محیط کسب و کار کشور پس از قم با ۴.۷۸ قرار گرفته و زنجان با ۵.۸۷ سوم شده است. شاخص اصفهان همچنین به شکل محسوسی بهتر از میانگین ۶.۲۳ کشور است. این نتیجه برای اصفهان مثبت و قابل توجه است؛ اما رتبه دوم را نباید به معنای «مطلوب بودن» کامل محیط کسب و کار استان تفسیر کرد. مفهوم دقیق تر این است که شدت نامساعدی ادراک شده توسط فعالان اقتصادی اصفهان کمتر از اغلب استان های کشور بوده است.

از منظر توسعه اقتصادی، چنین جایگاهی می تواند یک مزیت نسبی باشد. اگر عواملی که اصفهان را به این موقعیت رسانده اند شناسایی و تقویت شوند، بهبود محیط کسب و کار می تواند در بلندمدت به عاملی برای حفظ فعالیت های موجود و افزایش جذابیت استان برای سرمایه گذاری تبدیل شود.

اما برای این منظور، صرف حفظ «رتبه دوم» کافی نیست؛ باید مشخص شود کدام مؤلفه ها باعث بهبود اصفهان شده اند و کدام موانع همچنان مانع حرکت شاخص به سمت وضعیت مساعدتر هستند.

یک نکته قابل تأمل در بررسی نتایج آن است که جایگاه اصفهان در مقایسه با سایر استان های کشور بهبود یافته است، اما شاخص محیط کسب و کار استان در مقایسه با دوره مشابه سال گذشته، بهبود نشان نمی دهد. روند دو سال گذشته نکته مهم تری را آشکار می کند. رتبه اصفهان از ۲۶ در بهار ۱۴۰۳ به ۲۸ در تابستان ۱۴۰۳ رسید، سپس مسیر بهبود آغاز شد و استان در تابستان و پاییز ۱۴۰۴ رتبه دوم را به دست آورد. در زمستان رتبه به ۹ تنزل کرد و در بهار ۱۴۰۵ مجدداً به رتبه دوم رسید.

این نوسانات نشان می دهد بهبود جایگاه اصفهان قابل توجه است، اما هنوز نمی توان آن را یک مزیت ساختاری کاملاً تثبیت شده تلقی کرد. مهم تر اینکه مقایسه سالانه تصویر متفاوتی ارائه می دهد: شاخص اصفهان از ۵.۵۲ در بهار ۱۴۰۴ به ۵.۶۲ در بهار ۱۴۰۵ رسیده؛ یعنی محیط کسب و کار استان نسبت به فصل مشابه سال گذشته ۱.۸۵ درصد نامساعدتر شده است. در مقابل، نسبت به زمستان ۱۴۰۴ که شاخص ۶.۰۱ بود، بهبود قابل توجه ۶.۵۲ درصدی مشاهده می شود. بنابراین یکی از مهم ترین نتایج گزارش را می توان این گونه بیان کرد:

اصفهان نسبت به سایر استان ها جایگاه بهتری پیدا کرده، اما نسبت به خودش در بهار سال گذشته اندکی عقب رفته است. این تمایز بسیار مهم است؛ زیرا بهبود رتبه لزوماً به معنای بهبود مطلق محیط کسب و کار نیست.

❖ چرا نتیجه اصفهان از نظر آماری قابل توجه است؟

تعداد نمونه طراحی شده برای اصفهان ۳۴۲ بنگاه بوده که پس از تهران، خوزستان و خراسان رضوی از بزرگ ترین نمونه های استانی این طرح محسوب می شود. در مقایسه، قم که رتبه نخست را به دست آورده تنها ۷۸ واحد نمونه

داشته است. نرخ پاسخگویی (مجموع نمونه از اعضا اتاق‌های بازرگانی، اصناف و تعاون) اصفهان نیز در بهار به ۶۹ درصد بوده است. افزایش مشارکت فعالان اقتصادی باعث می‌شود ارزیابی این فصل بازتاب گسترده‌تری از دیدگاه بنگاه‌های استان داشته باشد. البته نتایج استانی همچنان باید با احتیاط تفسیر شوند. بهترین معیار برای سنجش موفقیت اصفهان، نه یک رتبه در یک فصل، بلکه تداوم بهبود شاخص در چند دوره متوالی خواهد بود.

❖ اثر جنگ بر کسب‌وکار؛ اصفهان همچنان تحت فشار شدید

یکی از ویژگی‌های این دوره، سنجش تأثیر جنگ بر فعالیت بنگاه‌هاست. در سطح کشور شدت اثر منفی جنگ ۷۸۷ از ۱۰ ارزیابی شده که رقم بسیار بالایی است. برای اصفهان این عدد ۷۶۷ بوده است؛ بنابراین استان اندکی بهتر از متوسط کشور ارزیابی شده، اما فاصله چندان زیادی ندارد. به بیان دقیق‌تر، این نتیجه نشانه تاب‌آوری نسبی اصفهان است، نه مصونیت آن.

برای بنگاه‌ها، چنین سطحی از ریسک ضرورت توجه بیشتر به برنامه تداوم کسب‌وکار را نشان می‌دهد: تنوع مسیرهای تأمین، شناسایی تأمین‌کنندگان جایگزین، تعیین سطح مناسب موجودی اقلام حیاتی، مدیریت نقدینگی اضطراری و ارزیابی آسیب‌پذیری مسیرهای حمل‌ونقل و فروش از اقداماتی است که در چنین شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

❖ هشدار مهم‌تر از رتبه‌ها: بنگاه‌ها تنها با ۳۵ درصد ظرفیت فعالیت می‌کنند

شاید یکی از مهم‌ترین اعداد کل گزارش، نه ۶۲۳ و نه حتی رتبه دوم اصفهان، بلکه عدد ۳۵ درصد باشد. میانگین ظرفیت واقعی فعالیت بنگاه‌های مورد بررسی در بهار ۱۴۰۵ فقط ۳۵ درصد بوده است؛ در زمستان این میزان ۳۴ درصد بود. بنابراین با وجود افزایش یک واحد درصدی، بخش قابل توجهی از ظرفیت اقتصادی بنگاه‌های مورد بررسی همچنان بلااستفاده است. فعالیت در سطوح پایین ظرفیت می‌تواند هزینه ثابت هر واحد محصول را افزایش دهد و انگیزه سرمایه‌گذاری جدید را نیز کاهش دهد. از منظر سیاست‌گذاری، این یافته یک پرسش اساسی ایجاد می‌کند:

آیا پیش از ایجاد ظرفیت‌های جدید، نباید اولویت بیشتری به فعال کردن ظرفیت‌های موجود داده شود؟ گزارش حاضر به‌تنهایی مشخص نمی‌کند چه سهمی از ظرفیت بلااستفاده ناشی از کمبود تقاضا، تأمین مالی، مواد اولیه، انرژی، محدودیت‌های تجاری یا ناطمینانی مقرراتی است. بنابراین عدد ۳۵ درصد را باید نقطه آغاز یک بررسی عمیق‌تر دانست، نه پاسخ نهایی به مسئله. برای اصفهان نیز بررسی مستقل نرخ بهره‌برداری از ظرفیت بنگاه‌های صنعتی استان و دلایل خالی ماندن ظرفیت تولید می‌تواند یکی از موضوعات مهم برای مطالعات تکمیلی باشد.

❖ جمع‌بندی: رتبه بهتر، اما فضای کسب‌وکار همچنان پرریسک

نتایج بهار ۱۴۰۵ نشان می‌دهد مسئله اصلی محیط کسب‌وکار کشور را نمی‌توان صرفاً در یک شاخص خلاصه کرد. کنار هم قرار دادن یافته‌ها تصویر روشن‌تری ارائه می‌دهد: محیط کسب‌وکار نسبت به سال گذشته نامساعدتر شده، نوسان قیمت‌ها بزرگ‌ترین دغدغه بنگاه‌هاست، تأمین مالی همچنان دشوار است، ثبات مقررات کافی نیست و بنگاه‌های مورد بررسی تنها با ۳۵ درصد ظرفیت واقعی فعالیت می‌کنند.

برای اصفهان، کسب رتبه دوم کشور با شاخص ۵.۶۲ یک نتیجه مثبت است؛ اما همزمان شاخص استان نسبت به بهار سال گذشته اندکی نامساعدتر شده و نوسان رتبه طی دو سال اخیر نشان می‌دهد که این جایگاه هنوز نباید یک دستاورد تثبیت‌شده تلقی شود.

از منظر فعال اقتصادی، مهم‌ترین پیام این پایش شاید این باشد که در محیطی با قابلیت پیش‌بینی پایین، مزیت رقابتی فقط در قیمت، فروش یا ظرفیت تولید خلاصه نمی‌شود. توانایی مدیریت نقدینگی، کنترل ریسک زنجیره تأمین، انعطاف در قراردادهای طراحی سناریوهای جایگزین و سرعت واکنش به تغییرات نیز به بخشی از مزیت رقابتی بنگاه تبدیل شده است.

و برای سیاست‌گذاری اقتصادی اصفهان، دو پرسش باید محور بررسی‌های بعدی قرار گیرد: چه عواملی اصفهان را از رتبه‌های ۲۶ و ۲۸ در سال ۱۴۰۳ به رتبه دوم رسانده‌اند؟ و چه اقداماتی لازم است تا این بهبود نسبی، از یک رتبه فصلی به یک مزیت پایدار برای فعالیت و سرمایه‌گذاری در استان تبدیل شود؟